



جایگاه ایهام در قصاید سنایی

بهاره افتخاری^۱

۱- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان بویراحمد

چکیده

علم بدیع در زبان و ادبیات فارسی بعد از علم معانی و بیان سومین فن مهم محسوب می‌شود که در جای خود دارای ارزش و اهمیت فراوانی است. این علم، خود به دو دسته آرایه‌های لفظی و معنوی تقسیم می‌شود که هر کدام از این دو دسته، دارای زیر شاخه‌های مربوط به خود هستند. منظور از آرایه‌های لفظی، آن دسته از آرایه‌هایی است که فقط با لفظ سر و کار دارند مانند: واج آرایی، تکرار و جناس. و اما آرایه‌های معنوی، آن دسته از آرایه‌هایی را شامل می‌شود که فقط با معنا سر و کار دارند، مانند: حسن تحلیل، اغراق و ایهام. واژه‌ی بدیع، بر وزن کلمه‌ی عربی فعل و معنای آن بر طبق لغت نامه‌های فارسی، نو و تازه است و گاهی عجیب و نادر هم معنا شده است. اما در اصطلاح و در حوزه‌های زبان و ادبیات فارسی به دانشی اطلاق می‌شود که به بیان زیبایی‌های صنایع شعری می‌پردازد. یکی از انواع آرایه‌های معنوی در حوزه‌ی بدیع، ایهام است که به وفور در شعر سنتی و حتی جدید آورده شده است و به نوبه‌ی خود سهم به‌سزایی در زیبا سازی و تاثیر گذاری شعر در ذهن خوانندگان دارد. در پژوهش حاضر درصددیم این آرایه‌ی مهم و پرکاربرد را در چند قصیده از شاعر معروف و عارف مسلک قرن شش، سنایی غزنوی با روش تحلیل محتوای اشعار، مورد بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: بدیع، آرایه، ایهام، سنایی غزنوی